

علی فاتحی: یمن کشوری عربی در جنوب غربی آسیا و در جنوب شبه جزیره عربستان به‌پایتختی صنعاست. این کشور ۵۲۷ هزار و ۹۶۸ کیلومتر مربع گسترده‌گی دارد. یمن تا قبل از سال ۱۹۹۰ میلادی ۲ کشور مجاور بود به نام‌های: جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) و جمهوری دموکراتیک یمن (یمن جنوبی).، سال ۱۹۹۰ طی پیمانی این دو کشور با هم متحد شدند و جمهوری یمن به‌وجود آمد. اما در سال ۱۹۹۴ جنگ خونینی بین دو طرف رخ داد که سرانجام شمالی‌ها بر جنوبی‌ها چیره شدند و اتحاد پابرجا ماند. این کشور ۲۲ میلیون نفری از شمال به عربستان، از جنوب به باب‌المندب، از مغرب به ساحل دریای سرخ و از سمت مشرق به سلطنت عمان و خلیج‌فارس متصل است که همین موقعیت جغرافیایی اعتبار ژئوپلیتیک خاصی به این کشور بخشیده است. باب‌المندب یکی از چند تنگه مهم دنیا به ششمار می‌رود که هر قدرتی بر آن مسلط شود خواهد توانست بخشی از امنیت عبور و مرور در یای دنیا را در دست بگیرد. یمن نیز در سال ۲۰۱۱ دستخوش تحولات بیداری اسلامی واقع شد. مردم این سرزمین به تأسی از کشورهای دیگر انقلابی دست به قیام زدند تا از یوغ دیکتاتوری سده‌های علی عبداللصالح خارج شوند. به‌رغم اینکه در یمن ۲۲ میلیون نفری بیش از ۵۰ میلیون قبضه سلاح وجود دارد اما همه ترندهای صالح برای به خشونت کشاندن راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز به نتیجه‌ای نرسید و مردم با درایت خاصی که داشتند دست به سلاح نبردند تا از طریق دموکراتیک به خواسته‌های خود برسند. عربستان سعودی و اتحادیه عرب با دیدن موج عظیم مخالفت مردمی دست به سیاست‌تازی زده و در یک توافق پنهان با صالح وی را برکنار کردن با این شرط که اولاً وی و خانواده‌اش از پیگرد قانونی در امان باشند و ثانیاً رژیم یمن دچار تغییر و تحولی نشود که با این ترند انقلاب مردم به انحراف کنشانه شد و جای علی عبدالله صالح را عبد رب منصور هادی گرفت و کشور در عمل با حاکمی دیگر همان سیاست‌های گذشته را دنبال کرد. همان سال ۲۰۱۲ با برکناری علی عبدالله‌صالح قرار شد در سال ۲۰۱۴ با حضور بیش از ۶۶۰ نفر از نمایان سیاسی و نمایندگان نهادهای مدنی کشور که همه آنها را عناصر رژیم سابق تشکیل می دادند، در چارچوب گفت‌وگوهای ملی ساختار دولت آینده مشخص شود اما این روند طولانی شده و به نظر می‌رسید در دوری بی‌حاصل قرار گرفته که نتیجه چندانی در بر نداشت. بر همین اساس در سال جاری و به‌ویژه پس از حذف یارانه‌ها و افزایش شدید تورم انرژی در این کشور، مردمی که به شرایط سخت اقتصادی به سر می‌برند دوباره به خیابان‌ها آمده و خواستار تغییر وضعیت شدند اما این‌بار به جای انقلاب و درگونی، موضوع اصلاح سیاسی دنبال شد که بدنه نظام را نشانه گرفته بود. این وضعیت چند ماهی به طول انجامید و تحولات به گونه‌ای پیش رفت که با وجود امضای توافقات میان گروه‌های مخالف و دولت، سرانجام حوثی‌ها و انصارالله که پیش تر در ۶ جنگ با دولت طی یک دهه گذشته قدرتمند تر شده بودند و در انقلاب یمن نقش زیادی ایفا کرده بودند، این‌بار کنترل پایتخت را در دست گرفتند. این در حالی بود که عربستان با وجود مخالفت‌های زیاد با اقدامات حوثی‌ها و تلاش‌هایش برای صدور قطعنامه در شورای امنیت و بین‌المللی کردن این مساله، در نهایت با اقدام حوثی‌ها کنار آمده و به نوعی سکوت اختیار کرد. عربستان تا پیش از این ایران را متهم به دخالت در اوضاع یمن و حمایت از حوثی‌ها می‌کرد. در عین حال خود در دیگر کشورها به مقابله با جریان اخوان می‌پرداخت اما عملکرد ریاض در یمن چندان نشان از مخالفت با جریان اخوان نداشت، چراکه در صحنه یمن باید بین ۲ گزینه اخوان‌المسلمین یا یمنی‌توانند یمن را از فتنه‌گری سعودی و آمریکا دور نگه دارند

بااین تمایل چندانیه به حضور در حکومت نداشته و تلاش کردند ضمن حفظ فاصله از صندلی قدرت در یمن اما در امور سیاسی آن تاثیرگذار باشند. این سیر تحولات «وطن امروز» را بر آن داشت تا با دکتر عبداللصالح راجح، کارشناس امور سیاسی و اجتماعی یمن در این باره گفت وگو کند. این مصاحبه یمنن مروری بر گذشته این کشور به یمن معاصر رسیده و چشمانداز آینده آن را هم پیش روی خوانندگان محترم قرار می‌دهد.

■ **این روزها تحولات یمن در صدر اخبار منطقه قرار دارد اما بسیاری از ایرانیان شاید اطلاع دقیقی از یمن و پیشینه این کشور نداشته باشند. در ابتدا درباره تاریخچه این کشور تاریخی و کهن توضیح مختصری ارائه دهید.**
کشور یمن که امروز شاهد حوادث و اتفاقات بسیاری است، جزو سرزمین «سبا» است؛ رابطه یمن با ایران بسیار طولانی و تاریخی است. قبل از اسلام یکی از پادشاهان یمن به نام «سید بن یز یزن» که از جمله مشهورترین پادشاهان این کشور بود، بعد از اینکه مورد حمله حبشی‌ها با همان آیتوبی فعلی قرار گرفت و آنها کشورش را تصرف کردند، به ایران پناه آورد و پادشاه ایران هم برای کمک به او چند هزار سرباز فرستاد. در این باره برخی عنوان کرده‌اند پادشاه وقت ایران، زندانیان و محکومان به اعدام را همراه یزن فرستاد اما برخی نیز عنوان می‌کنند سربازان نخبه ایران به یمن فرستاده شده و توانستند با همکاری قبایل یمنی، حبشی‌ها را از یمن بیرون برانند. ایرانی‌هایی که به کمک پادشاه یمن آمده بودند در این کشور ماندند و پس از آن به قدرت رسیدند.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر عبدالرحمن راجح، جامعه‌شناس و روزنامه‌نگار یمنی

«انصارالله» به دنبال حکومت بر یمن نیست

ایرانی‌ها سال‌ها بر این کشور حکومت کردند تا آخرین حاکم یمن که در عصر پیامبر اعظم(ص) زیست و ایرانی‌الاصل بود، ایمان آورد و مردم یمن نیز به این واسطه ایمان آوردند. خاندان اِیـن پادشاه در یمن به «الاینا» مشهور است که امروز هم‌نسلان‌شان در یمن وجود دارند و نزدیک صنعا هستند. بدین سان رابطه تجاری، مذهبی و سیاسی بین ایران و یمن قبل از اسلام تا امروز ادامه پیدا کرده است. با ظهور اسلام و تشکیل دولت‌های پس از اسلام؛ بخصوص در عصر عباسی، اولین جزئی‌کـه از این امپراتوری جدا شد، یمن و شمال ایران بود. فردی به نام «امام هادی الحق» که یکی از پیشوایان یمنی‌هاست، به‌عنوان مؤسس دولت زیدیان و شیعیان در یمن به همراه چند صد نفر از طبرستان که دیلمیان لقب داشتند به این کشور آمده و حکومت کردند. امام هادی الحق که از نواگان حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام است، در سال ۲۹۸ هجری قمری (قرن سوم هجری) «سلسله زیدیه» را در یمن بنا نهاد. وی از حجاز به یمن آمد. زیدیه بیش از ۱۰۰۰ سال بر یمن حکومت کرد. امروز نیز قبرستانی نزدیک مزار امام هادی در یمن وجود دارد که به نام قبرستان «دلمیان» مشهور است. مشهور است که یاران امام هادی که از دیلم و طبرستان آمده بودند، در آنجا دفن هستند.

حتی در کتاب‌های نگاشته شده در آن ایام زبان فارسی رواج داشته و در نماز جمعه‌ها نیز گاهی خطابه فارسی قرات می‌شد؛ یعنی بعد از اسلام به حدی روابط بین دلمیان شمال ایران و زیدی‌های یمن وجود داشته که فقهای و مراجع دینی یعنی اجهتدار کنند که جایز است به زبان فارسی یا عربی خطبه بخوانند. تقریباً به مدت یکپهزار سال یمن شمالی تحت فرمان امامان زیدی بود تا اینکه استعمار عثمانی جنوب یمن و استعمار انگلیس، شمال این کشور را تصرف کردند که البته زیاد نتوانستند بمانند و هر وقت که می‌آمدند زیدی‌ها شورش کرده و عثمانی‌ها را از خاک یمن بیرون می‌کردند. آخرین باری که از یمن رانده شدند، سال ۱۹۱۹ یعنی تقریباً ۱۰۰ سال پیش بود که از یمن به کلی خارج شدند و یک دولت زیدی در شمال این کشور تشکیل شد. یعنی یک پادشاهی زیدی تشکیل شد؛ تحت عنوان «الملکـت و المـتوکلـی یمن» که «هـتوکلـی» (پادشاه وقت) با توجه به تفکرات نواندیشانه‌ای که وارد منطقه شده بود و طبیعتاً یمن را نیز تحت تاثیر قرار داد، دچار ضعف شد. مفاهیمی مانند جمهوریت و نهضت مشروطه در سال ۱۹۴۵ این پادشاهی را تضعیف کرد تا سال ۱۹۶۲ که یک کودتای نظامی با کمک ناسیونالیسم عربی و جمال عبدالناصر شکل گرفت و کل پادشاهی متوکلـی یعنی محو و نظامی جدید به نام جمهوری یمن تشکیل شد. این جمهوری با کمک جمال عبدالناصر که حدود ۶۰ هزار نفر از نیروهای ارتش مصر را وارد یمن کرد شکل گرفت و از سوی کودتاجیان، نظام جمهوری در یمن تشکیل شد و ارتشی‌ها، قدرت را به دست گرفتند. از زمان روی کار آمدن ارتش در یمن تلاش شد یک ایدئولوژی جدید مذهبی با کمک عربستان سعودی در این کشور ایجاد شود و در پی آن مذهب شیعه زیدی را کمرنگ و هویت ملی یمن را که در چارچوب امامت، ولایت و تشیع بود، تضعیف کنند و مذهب سنی وهابی را وارد یمن کردند و توانستند ایدئولوژی سعودی را رواج دهند. عربستان سعودی سعی کرد وهابیت را با کمک انجمن‌های مذهبی و با کمک مالی میان شیوخ قبایل ترویج کند و بالاخره توانست هویت ملی یمن را تضعیف و از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک، یمن را تابع خود کند.

اما چند شهر یمنـ مقاومت کردند، به خصوص انصارالله شمالی یمن مانند صعه که حوثی‌ها در آنجا ساکن بودند. سال ۱۹۹۰ بعد از وحدت شمال یمن، اتفاقی جدید در این کشور رخ داد و زیدی‌های که بسیار تحت فشار و ظلم بودند دوباره به خودشان بازگشتند و یک بیداری در بین آنها صورت گرفت که این بیداری از نهضت و افکار حضرت امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران برگرفته شده بود. سال ۱۹۹۰ وحدت شمال و جنوب یمن اتفاق افتاد که در این وحدت شمال و جنوب مقرر شد احزاب و انجمن‌های فکری و مذهبی آزاد شوند و این فرصتی برای زیدی‌ها بود تا خودشان را پیدا کنند. زیدی‌ها از دهه ۹۰ شروع به بازسازی و تشکل حزب کردند؛ البته آنها در چارچوب مذهب زیدی فعالیت نداشته و به آن محدود نبودند بلکه پا را فراتر گذاشته و به‌عنوان دافع از هویت ملی و مذهبی یمنی‌ها شروع به مبارزه کردند. سال ۲۰۰۳ با توجه به حمله آمریکا به عراق، جنبشی به رهبری «سیدحسین بدرالدین الحوثی» در قالب اندیشه زیدی که برگرفته از اندیشه‌ها و افکار حضرت امام خمینـ(ره) بود به وجود آمد که در جامعه یمن پیاده شد. مثلاً آنها «هرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل» بود. آنها مطالبات خود را از دولت «علی عبدالله صالح» اعلام کردند که اولاً

دولت طرفدار مقاومت اسلامی در فلسطین و مقاومت لبنان باشد و ثانیاً از کمک به ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش در جنگ علیه آنچه تروریسم در منطقه می‌نامد فاصله بگیرد. آنها از دولت یمن خواستند استقلال سیاسی این کشور را حفظ کند و تابع عربستان و آمریکا نباشد و همچنین رفغ محرومیت از مردم بخصوص شمالی‌ها که زیر ظلم و فشار دولت بودند، از دیگـ خواسته‌های حوثی‌ها بود. این مطالبات رفته‌رفته به یک جنبش فراگیر تبدیل شد و دولت هم که این جنبش را بر نتافت، سعی کرد آن را با زور سرکوب کند و بدین ترتیب در سال ۲۰۰۴ اولین جنگ و محله نظامی علیه سیدحسین حوثی و یارانش و جنبش شمال انجام گرفت که موجب کشته شدن سیدحسین بدرالدین الحوثی و چندین تن از یارانش شد و جنبش کاملاً سرکوب شد ولی بعد از چند سال جنبش دوباره احیا شد و رویکرد نظامی و مخفیانه به خود گرفت.

رهبری این جنبش جدید را «سیدعبدالملک الحوثی» که برادر سیدحسین بود برعهده گرفت. دولت یمن دوباره علیه این جنبش وارد جنگ شد که این بار موفق به سرکوب آن نشده و بدین ترتیب ۶ جنگ بین زیدی‌ها و دولت درگرفت که آخرین آن در سال ۲۰۱۴ با کمک ورود مستقیم سعودی و ایالات متحده آمریکا بود. در جنگ ششم، دولت یمن بسیار ضعیف شده و جنبش زیدی‌ها تثبیت شد. ایستادگی این جنبش در مقابل مداخلات سعودی و ایالات متحده آمریکا موجب شد محبوبیت بیشتری در کل یمن پیدا کند. با تضعیف رژیم یمن در سال ۲۰۱۱ و آغاز انقلاب‌های عربی، مردم و جوانان با حضور در خیابان‌ها راهپیمایی‌های زیدی برپا کردند تا خواسته‌های‌شان محقق شود. جنبش انصارالله با همان حوثی‌ها در این سال به مردم پیوست تا خواسته‌های آنها را جامه عمل بپوشاند. این جنبش در کنار سایر گروه‌ها و احزاب سیاسی به پا خاست که باعث شد پس از یک سال عبدالله صالح کنار برود. با کنار رفتن صالح، قدرت با میانیگری اتحادیه عرب و نقش افرینی آمریکا، بین حزب عبدالله صالح و احزاب دیگر که غالباً مرتبط با اخوان‌المسلمین و تفکرات آن بودند، تقسیم شد.

این مصالحه سیاسی مردم یمن را ناراحت کرد چرا که تصور کردند فریب خورده‌اند. جنبش انصارالله در همان روز امضای این توافقنامه صوری و تقسیم قدرت انجام گرفتـه، بیانیه‌ای صادر و اعلام کرد این مصالحه موجب پایمال شدن خون شهدا و مطالبات یمنی‌ها شده و مصالحه‌های غیرعادلانه است که ما آن را قبول نداریم. بر همین مبنا از همان سال تا سال ۲۰۱۴ به مدت ۳ سال جنبش انصارالله، اپوزیسیون مخالف دولت جدید را تشکیل داد و هر هفته تظاهراتی را علیه دولت انجام می‌داد. معترضان در این راهپیمایی‌ها که پس از نماز جمعه هر هفته انجام می‌گرفت، خواستار اسقاط دولت بودند و یک رژیم ملی در چارچوب مطالبه مردم و دولتی کارآمد را دنبال می‌کردند.

سرانجام پس از ۳ سال تظاهرات مردمی و سرکوبی که در اواخر کار از سوی دولت انجام گرفت و نیز افزایش قیمت بنزین، برداشتن یارانه‌ها و افزایش قیمت‌ها، تظاهرات تا کل یمن شکل گرفت که جنبش انصارالله رهبری مطالبات مردمی را برعهده گرفت و دولت اسقاط شد. باید به این موضوع اشاره کنم که طی دو سال اخیر انصارالله در جنگ با تکفیری‌هایی بود که از سوی عربستان سعودی شکل گرفته و حمایت می‌شدند تا زیدی‌های یمن را به کنترل خود درآورند اما انصارالله توانست بر همه گروه‌های سلفی – تکفیری غلبه کند. ■ **افزایش قیمت‌ها چگونه به قیام مردمی شد؟**
پس از آنکه دولت یارانه‌ها را کاهش داد، قیمت‌ها به شکل غیرقابل تحملی افزایش یافت که این موضوع منجر به حرکت بسیار عظیمی در یمن شد و انصارالله تظاهراتی را در صنعا به شکل گسترده برگزار کرد. با وجود اینکه انصارالله به دولت اعلام کرده بود تظاهرات و تجمعات، همگی مسالمت‌آمیز است اما دولت آنها را سرکوب کرده و در تظاهرات چندین نفر کشته

شدند که این موضوع نیز باعث خشم عمومی در کل یمن شد و مردم این کشور را که همگی مسلح هستند، به سوی جنگ و اعتراضات مسلحانه کشاند. هم‌پیمانانش در جنگ علیه آنچه تروریسم در منطقه می‌نامد فاصله بگیرد. آنها از دولت یمن خواستند استقلال سیاسی این کشور را حفظ کند و تابع عربستان و آمریکا نباشد و همچنین رفغ محرومیت از مردم بخصوص شمالی‌ها که زیر ظلم و فشار دولت بودند، از دیگـ خواسته‌های حوثی‌ها بود. این مطالبات رفته‌رفته به یک جنبش فراگیر تبدیل شد و دولت هم که این جنبش را بر نتافت، سعی کرد آن را با زور سرکوب کند و بدین ترتیب در سال ۲۰۰۴ اولین جنگ و محله نظامی علیه سیدحسین حوثی و یارانش و جنبش شمال انجام گرفت که موجب کشته شدن سیدحسین بدرالدین الحوثی و چندین تن از یارانش شد و جنبش کاملاً سرکوب شد ولی بعد از چند سال جنبش دوباره احیا شد و رویکرد نظامی و مخفیانه به خود گرفت.

دهد که این امر اتفاق نیفتاد و سرانجام در جنگ و درگیری‌ای که بین نیروهای تکفیری وابسته به دولت مانند ژنرال علی محسن‌الاحمر با نیروهای انصارالله رخ داد، انصارالله پیروز شد و توانست ارتش علی محسن‌الاحمر را شکست دهد و تقریباً را لحاظ نظامی بر همه نواحی و بخش‌های پایتخت غلبه و کل صنعا را تصرف کرد. با این وجود انصارالله از همان روز نخست اعلام کرد صنعا به هیچ وجه ساقط نشده بلکه دولتی‌ها خود را تسلیم مردم و فرزندان کشور یمن کرده‌اند و انصارالله قصد حکومت کردن بر کشور را ندارد و می‌خواهد یک دولت وحدت ملی تشکیل شود تا کشور از وابستگی به عربستان و آمریکا‌ها شود و همچنین به وضعیت اقتصادی و سیاسی مردم رسیدگی شود. پس از آن بود که انصارالله با «عبدربه منصور» رئیس‌جمهوری فعلی به توافق رسید که یک دولت ملی تشکیل شود و از همه گروه‌ها در آن عضویت داشته باشند که این توافقنامه در حال اجراست.

■ **درباره ۲۲ سال ریاست جمهوری علی عبدالله صالح توضیح دهید و اینکه از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چه وضعیتی بر یمن حاکم بود.**
همان طور که می‌دانید، علی عبدالله صالح ۳۳ سال بر یمن حکومت کرد که حدود ۱۰ سال آن بر یمن شمالی بود؛ پیش از آنکه شمال و جنوب متحد شوند و ۲۳ سال هم یمن شمالی و جنوبی (متحد) را رهبری کرد. صالح با نظام سرکوب و جنگ‌های داخلی یمن را اداره و فشار خیلی سنگینی به زیدیان یمن وارد کرد و یمن را از نظر سیاسی به عربستان و ایالات متحده وابسته کرد. اوضاع اقتصادی یمنی‌ها که اسفبار بود را می‌توان بزرگ‌ترین عامل نارضایتی‌ها و انقلاب ۲۰۱۱ مردم یمن دانست. در این سال‌ها از نظر سیاسی احزاب تا حدی آزاد بودند ولی همیشه مؤمنی در دست علی عبدالله صالح و حزب خودش بود که این حزب بر مجلس یمن و همه مناطق و پست‌های دولتی حاکم بود و کشور به وسیله افراد وابسته به رژیم اداره می‌شد.

■ **مردم یمن از بیداری اسلامی با توجه به تحولاتی که در منطقه رخ داد، استفاده و خواسته‌های خودشان را مطرح کردند. در این وضعیت شاهد بودیم با سیاست مزورانه‌ای که انصارالله به خصوص سعودی در پیش گرفت، عبدالله صالح کنار رفت اما بنده رژیم باقی ماند.**
جریانات وابسته به عبدالله صالح دوست نداشتند حزب وی از قدرت کنار برود. آنها می‌دانستند جدی‌ترین جریان مخالف دولت عبدالله صالح و جبرانی که قصد دارد کل نظام را تغییر دهد همان انصارالله است، به همین دلیل با نقشه‌ای تصمیم به انحراف انقلاب گرفتند. بر این اساس در حین انقلاب، برخی وابستگان رژیم گذشته مانند علی محسن‌الاحمر که از فرماندهان ارتش علی عبدالله صالح بودند، اعلام کردند به انقلابیون پیوسته‌اند و در مصالحه‌ای که به ابتکار اتحادیه عرب بر مردم این کشور تحمیل شد، آنها قدرت را به دست گرفتند.

این توافقنامه بسیاری از مسائل اساسی که سبب انقلاب شد را مسکوت گذاشت و به آنها توجهی نکرد که از جمله آنها این بود که به مطالبات اعضای انصارالله اشاره‌ای نداشتند و آنها را وارد این مصالحه نکردند. همچنین قضیه استقلال جنوب یمن که جنوبی‌ها به دنبال آن بودند مسکوت ماند و مطالبه جوانان که به خیابان‌ها آمده و خواستار استقلال کشورشان بودند نادیده گرفته شد که این موارد بر بحران افزود و انقلاب دوم را رقم زد.

■ **می‌توانیم بگوییم نگرانی سعودی و آمریکا از قدرت رسیدن حوثی‌ها در یمن بوده که باعث به وجود آمدن ۶ جنگ و ۳ سال تظاهرات در این کشور شد؟**
بله؛ صددرصد! امروز رسانه‌های سعودی علیه

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر عبدالرحمن راجح، جامعه‌شناس و روزنامه‌نگار یمنی

«انصارالله» به دنبال حکومت بر یمن نیست

■ **عربستان حیات خلوت خود در یمن را از دست داد**



انصارالله و جمهوری اسلامی ایران تبلیغات بسیاری را در جهان عرب به راه انداخته‌اند، با این ادعا که ایران در پی مداخله در امور کشورهای عربی است. اکنون در حالی که سعودی گروه‌های تروریستی را در سوریه و عراق و اطراف ایران مسود حمایت قرار می‌دهد، رسانه‌های سعودی علیه انصارالله در یمن تبلیغات زیادی به راه انداخته‌اند با این ادعا که این جنبش در یمن دست به کشتار مخالفان خود می‌زند در حالی که امروز یمن پاک‌ترین و بهترین کشور انقلابی است که در منطقه عربی به وجود آمده چرا که پشتوانه مردمی داشته و به دور از خونریزی و خرابکاری است. انصارالله سعی کرده ساختار دولت حفظ شود و همچنین از اولین روز هم اعلام کرد حاضر است با همه گروه‌ها از جمله اخوان‌المسلمین مصالحه داشته باشد. این جنبش اعلام کرد قصد دارد یک دولت ملی تشکیل دهد اما تا به

امروز عربستان سعودی، کشورهای غربی و عربی سعی می‌کنند، نشان دهند یک حرکت طایفاهی یا مذهبی شکل گرفته است. انصارالله اعلام کرده خواسته‌های زیدی‌ها بر اساس منافع ملی است و خواستار ایجاد یک یمن مستقل، واحد و صاحب نظم در غرب آسیا هستند. ■ **آیا حوثی‌ها به دنبال این هستند که مانند چند صد سال گذشته به قدرت برسند یا اینکه اهداف دیگری را دنبال‌می‌کنند؟**

نه برعکس! آنها اعلام کرده‌اند به دنبال پادشاهی یا خواستار دولتی به شکل قبلی نیستند و خواستار یک دولت ملی و واحد هستند.

انصارالله در گفت‌وگوهای ملی نیز اعلام کرد حاضر است در چارچوب یک دولت ملی، مدنی و دموکراسی واقعی باشد به شرط اینکه اسلامیت و همکاری با همه کشورهای اسلامی به خصوص جمهوری اسلامی ایران وجود داشته باشد. همچنین دیدگاه این جنبش در قضیه فلسطین این است که فلسطین موضوع اول همه مسلمین است لذا باید به مقاومت اسلامی در فلسطین و لبنان کمک و یاری شود.

■ **آل سعود ظاهراً از قدرت گرفتن یک جریان شیعی در کنار رهزهای عربستان که حیات خلوتش را نیز از بین می‌برد، نگران است.**
یمن ۵۰ سال حیات خلوت عربستان بوده و حکومت سعودی اصلاً تصور نمی‌کرد روزی یک نیروی ملی اصیل در یمن ایجاد شود که قدرتش در یمن را به چالش بکشد.

امروز هم سعی می‌کنند با تبلیغات و فضا سازی سیاسی یک فضای منفی علیه حوثی‌ها در یمن در کل منطقه شکل دهند در حالی که حوثی‌ها از اولین روز اعلام کردند در یمن مذهب ما همان مذهبی است که یمنی‌ها دارند و روابط ما با جمهوری اسلامی خوب است.

انصارالله اعلام داشته جمهوری اسلامی ایران یک سیاست خارجی ستودنی در غرب آسیا و در مسائل جهان اسلام در پیش گرفته است. انصارالله همچنین اعلام داشته آزادی به معنای استقلال کشور از دخالت سعودی و آمریکالیست که این موضوع به مذاق سعودی‌ها خوش نیامده و با حمایت از تکفیری‌ها به دنبال راهاندازی جنگ طایفاهی در یمن هستند. عربستان زمانی که مشاهده کرد نمی‌تواند خواسته‌های مردم را در یمن سرکوب کند به تبلیغات رسانه‌ای، جنگ طایفهای و کمک

به گروه‌های تکفیری و القاعده روی آورد تا بتواند دوباره در یمن قدرت را به دست بگیرد یا این کشور را ضعیف و ناتوان کند که همیشه درگیر تنازعات داخلی باشد. ■ **حوثی‌ها در ۶ جنگ گذشته حضور داشته‌اند و البته در هر جنگ به نسبت قبل قوی تر شدند ولی به اهدافشان نرسیدند. در حالی که در آخرین قیام موفق شدند و امروز شاهد هستیم تعدادی از افراد انصارالله در دولت حضور دارند. به نظر شما علت موفقیت قیام آخر چیست؟**
علت آن را باید در تاریخ ۲۰ ساله اخیر جستجو کرد. انصارالله در گذشته محدود بود و توانایی و قدرت نظامی بسیار کمی داشت و در مقابل، رژیم بسیار قدرتمند بود و از نظر رسانه‌ای و بین‌المللی نیز دست بالا داشت. درست است که حوثی‌ها قبلاً نمی‌توانستند در دولت مشارکت کنند اما در توافقنامه‌های پس از هر جنگ از نظر نظامی تثبیت شده و گسترش جغرافیایی کرده ایران دخالتی در یمن ندارد اما ما برای حمایت مالی عربستان این اخبار را منتشر می‌کنیم و خود آمریکایی‌ها نیز اعلام کرده‌اند دخالت ایران در یمن امر حرکتی که باعث موفقیت اخیر آنها شد به چند دلیل بوده؛ نخست ناامیدی بیشتر مردم یمن از دولت فعلی و عدم توانایی این دولت در ایجاد نقش مؤثر در اصلاحات اقتصادی – سیاسی؛ دوم رهبری موفق حزب انصارالله که سیدعبدالملک حوثی توانست همراه مردم باشد و به‌رغم توانایی حضور در دولت و به دست گرفتن قدرت، این کار را انجام نداد و این موضوع بر محبوبیت مردمی وی افزود و رسوم توانایی نظامی انصارالله که توانست همه گروه‌های تکفیری را که از عربستان حمایت می‌شدند، شکست دهد و این موضوع نیز بر